**اصغر کریمی**

**حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری**

به مناسبت بیست و هفتمین سالروز تشکیل حزب

برای اینکه وارد بحث مشخص نقش حزب کمونیست کارگری در جنبش کارگری بشوم، لازم است ابتدا متد حزب و تلقی حزب از کارگر را بررسی کنم یعنی ابتدا در سطحی پایه ای تر به مساله بپردازم و سپس رویکردهای مشخص تر و فعالیت های سیاسی و میدانی حزب را در زمینه جنبش کارگری مرور کنم. کل مباحث نظری سیاسی و کمپین ها و فعالیت میدانی حزب در امتداد متدی بوده است که حقانیت خود را بارها و بارها نشان داده است. بطوری که امروز نمیتوان جنبش نوین کارگری را بدون حزب و حزب را بدون جنبش نوین کارگری بررسی کرد.

اولین مصاف ما انقلاب ۵۷ و تحرک کارگر در سالهای پس از آن بود. طبقه کارگر به میدان آمده بود و باید در عرصه سیاست نمایندگی میشد. باید استقلال خود را از طبقات و جنبش های اجتماعی دیگر بوجود میاورد. باید پرچم خود را بالا میبرد تا نیروی خود را از زیر دست و پای جنبش های دیگر بیرون بکشد و جامعه را نیز حول این پرچم بسیج کند. تقابل همه جانبه ما با پوپولیسم خلقی و شکل دادن به مارکسیسم انقلابی شروع مهم و تعیین کننده ای بود. در حالیکه چپ ایران مشغول ملی نامیدن بخشی از بورژوازی و دفاع از آن بود، در حالیکه بخشی از چپ هنوز جامعه را نیمه فئودال میدانست و منتظر رشد سرمایه داری و صنایع مادر و ملی و غیر مونتاژ بود، و بجای نمایندگی کارگر در صحنه سیاسی، دنبال لایه هایی از خرده بورژوازی مترقی میگشت و متناسب با نفوذش کارگر را دنباله رو جریانات ارتجاعی و ضد انقلابی میکرد، منصور حکمت به نقد عمیق و همه جانبه چپ آن دوره برخاست و اعلام کرد که ایران مدتها است جامعه ای سرمایه داری است، و هیچ بخشی از بورژوازی ملی و مترقی نیست، طبقه کارگر باید صف خود را از همه بخش های بورژوازی متمایز کند، صاحب برنامه مستقل و اثباتی خود و حزب سیاسی و طبقاتی خود باشد تا سرش بی کلاه نماند. انقلاب تا اوایل ۶۰ ادامه داشت، اعتصابات کارگری وسعت میگرفت و شوراهای کارگری در نقاط مختلف کشور شکل میگرفت و از طرف دیگر بورژوازی که در قالب جمهوری اسلامی، به قدرت رسیده بود ماهیت ضد کارگری خود را بسرعت نشان میداد و حقانیت مباحث مارکسیسم انقلابی بسرعت در میان بخش پیشرو طبقه کارگر جا باز میکرد. چپ خلقی دچار بحران میشد و مارکسیسم انقلابی رو به اعتلا میرفت. برنامه برخلاف تصور این چپ که وقتش نیست، تدوین شد. حزب کمونیستی که این چپ میگفت وقتش نرسیده و فعلا باید با طبقه کارگر پیوند ایجاد کرد، در ادامه شکل گیری و رشد مارکسیسم انقلابی در درون سازمان های مختلف چپ تشکیل شد.

از نظر سیاسی نیز در فضای سرکوب و قتل عام کمونیست ها و بحران سیاسی ایدئولوژیک سازمان های کوچک و بزرگ چپ، شکل گیری مارکسیسم انقلابی، برنامه و تشکیل حزب اهمیت سیاسی قابل توجهی داشت که ورق را به درجه قابل ملاحظه ای برگرداند و امید و اعتماد بنفس را در جنبش کمونیستی تقویت کرد. در واقع حضور وسیع میدانی طبقه کارگر حقانیت مارکسیسم انقلابی را بسرعت اثبات کرد،‌ به آن قدرت داد و تشکیل حزبی بزرگ و توده ای را عملی کرد. هرچند سرکوب سیستماتیک کمونیست ها و فعالین چپ کارگری اجازه نداد دامنه نفوذ و فعالیت حزب در جنبش کارگری ابعادی پردامنه بگیرد، اما علیرغم این طبقه کارگر صاحب حزبی شد که برنامه روشنی داشت، سیاست هایی واقعا کارگری داشت و طبقه کارگر را در صحنه سیاسی در مقابل اقشار و طبقات دیگر و جنبش های آنها با قدرت نمایندگی میکرد. این نقطه عطف مهمی در جامعه ایران و نقطه عطف مهمی برای طبقه کارگر در این مقطع بود. پس از چند سال تئوری های پوپولیستی تحت تاثیر مارکسیسم انقلابی حاشیه ای و عملا کنار رفت و ادبیات مارکسیسم انقلابی بر فضای چپ آن دوره حاکم شد. میخواهم بگویم که کمونیسم منصور حکمت مستقیما از بدو فعالیت به کارگر و نقش آن گره خورده بود. کمونیسمی که جنبش اجتماعی طبقه کارگر را بیان میکرد. اینطور نبود که این مباحث فقط به کارگر توجه داشت و برای آینده کارگر مفید بود. بند ناف این مباحث با جنبش کارگری و حضور فعال و اجتماعی طبقه کارگر بریده شده بود و دقیقا بدلیل حضور طبقه کارگر و مربوط بودن این کمونیسم به این طبقه بود که اینطور برد پیدا کرد. این کمونیسم انعکاس اعتراض کارگر به سرمایه داری و نظام مزدی بود و بعنون یک نیروی اجتماعی محصول این دوره و این شرایط بود. این کمونیسم صدای کارگر بود و طبقه کارگر را که در کوران انقلاب تحرک وسیعی را شروع کرده بود نمایندگی میکرد. در واقع حزب کمونيست خودش يک محصول عينى تاريخ مبارزه طبقاتى در يک دوره معين است.

اما گام مهم بعدی دادن تصویری روشن از کارگر، آرایش درونی طبقه کارگر، رهبران آن و گرایشات فکری درون آن بود. مشخصات خود طبقه کارگر به عنوان يک پديده عينى اجتماعى با خصوصيات و خود ويژگى هاى خود. چپ خرده بورژوايى شناخت درستى از طبقه کارگر، آنطور که هست، نداشت. کارگران در اين تفکر يا پرولتاياى مجرد کتاب هاى تئورى بودند و يا صاحبان "دستان پينه بسته"، تهيدستان و زحمتکشان. آنچه غايب بود تصويرى عينى، علمى و واقعى از طبقه کارگر به مثابه يک طبقه اجتماعى متمايز بود یعنی طبقه محصول توليد بزرگ، با مکانيسم ها و مناسبات درونى خاص خود (منصور حکمت). بر خلاف تفکر این چپ، طبقه کارگر يک توده بى شکل مرکب از آحاد منفرد نبود. اتمیزه نبود. بلکه حتى در بدترين شرايط نيز از اشکال معينى از سازمانيابى "خودبخودى" و سوخت و ساز و آرايش تشکيلاتى برخوردار بود. سازماندهى کمونيستى طبقه کارگر بدون برسميت شناختن اين اشکال، بسط و گسترش دادن به آنها و متکى شدن به آنها امکانپذير نبود .اینکه کارگر بی رهبر نبود و رهبران عملی خود را داشت که اعتصابات و مبارزات هر روزه کارگر را نمایندگی میکردند. و اینکه بر خلاف درک چپ خلقی آن دوره، کمونیسم گرایشی در درون جنبش کارگری بود و لازم نبود قطره چکانی اول کمونیسم (صرفنظر از اینکه کمونیسم این چپ هم ربطی به کمونیسم مارکس و کمونیسم مورد نیاز کارگر نبود) به درون کارگران برده شود تا در آینده ای نامعلوم زمینه برای تدوین برنامه و تشکیل حزب فراهم شود. "کمونيسم کارگری يک جنبش فکرى نيست که دنبال پايۀ پراتيکىِ خود ميگردد، برعکس يک جنبش مادى و پراتيکى متمايز است و به اين اعتبار بايد در يک جدال فکرى عظيم در سطح جامعه نيز حضور داشته باشد. بنابراين تنها وقتى که ما صف اجتماعى خودمان را، بعنوان يک جنبش، در برابر جامعه موجود و کل جنبش‌هاى اعتراضى ديگرى که از جمله تحت نام سوسياليسم و کمونيسم وجود دارد، بدرستى بشناسيم ميتوانيم به يک رويارویىِ نظرى با اين جامعه و اين جنبش‌ها پا بگذاريم" (منصور حکمت). تصویری که در مباحث کمونیسم کارگری از سوخت و ساز درونی کارگر داده شد، کارگران پیشرو را در موقعیتی دیگر از نقش طبقه کارگر و جایگاه خود آنان داد که خود را در موقعیتی قوی تر ببینند، و این تنها تصویر واقعی بود، تا بتوانند گام های لازم را به جلو بردارند. با این مباحث بود که راه برای بحث مهم تعین بخشی و چهره دادن به رهبران کارگری فراهم شد. ابتدا بر وجود رهبران کارگری و نقش آنان در سوخت و ساز درونی طبقه کارگر و مبارزات آن تاکید شد تا در گام بعدی بتوان آنها را زیر نورافکن گذاشت، آنها را به جامعه معرفی کرد و موقعیت تازه ای به آنها داد. تعین بخشی و چهره دادن به رهبران کارگری جنبش کارگری و طبقه کارگر را گام مهمی به جلو برد. اما این نیز جاده مسطح و بی دست اندازی نبود. گفتند امنیت فعالین کارگری را به خطر می اندازید و کارتان‌ مسئولانه نیست، اما خیلی زود به همگان ثابت شد که چه سیاست و جهتگیری درست و مهمی حزب کمونیست کارگری داشته است. این جهتگیری با استقبال جنبش کارگری و رهبران آن که زیر ضرب پلیس قرار میگرفتند، مواجه شد و امروز شاهد دهها و صدها چهره سرشناس در جنبش کارگری هستیم. امروز هیچ جریان و گروه چپی نیست که این جهتگیری را تایید نکرده باشد.

مباحث مربوط به شورا و سندیکا در سال ۱۳۶۶، اولین مباحث کمونیسم کارگری درمورد تشکل های توده ای کارگری بود که این دو نوع تشکل یا در واقع جنبش سندیکالیستی و جنبش شورایی و ارتباط آنها را با جنبش های سیاسی در جامعه توضیح داد، زمینه های تاریخی شکل گیری هر کدام را تشریح کرد و اهمیت اتکا بر مجمع عمومی و جنبش شورایی بعنوان تنها تشکلی که توده کارگر را در تصمیم گیری دخیل میکند باز کرد و در عین حال سیاست مسئولانه ای در قبال سندیکا گرفت. در قطعنامه ای که منصور حکمت ارائه داد، بر سازماندهى شورائى کارگران بعنوان راه حل کمونیست ها و بعنوان گرایشی که در میان کارگران بطور وسیع و توده ای نفوذ دارد، تاکید شد و به عنوان يک راه حل فورى و قابل تحقق براى پر کردن خلاء ناشى از فقدان تشکلهاى توده‌اى کارگرى، بر شکلگيرى و گسترش جنبش مجمع عمومى کارگرى تاکید گردید. هدف جنبش مجمع عمومى ايجاد يک شبکه وسيع از مجامع عمومى کارگران در کارخانه ها و واحدهاى توليدى و اقتصادى مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از اينطريق ايجاد هرچه سريعتر يک ابزار تشکيلاتى موثر و يک رهبرى عملى کمابيش سراسرى در مبارزات جارى کارگرى بود. جنبش مجمع عمومى، از اين نقطه قدرت اساسى برخوردار است که در عين اينکه گام نخست در سازماندهى شوراهاى کارگرى است، بدليل وجود زمينه هاى مادى مناسب در جنبش کارگرى قابليت تحقق سريع اهداف خود را دارد. این قطعنامه و مصاحبه ای که بدنبال آن انجام شد، رویکرد ما درمورد تشکل های توده ای کارگران در تقابل با گرایش رفرمیستی و سندیکالیستی را روشن میکرد. اهمیت سازماندهی حزبی برای کارگران نیز از بدو تشکیل حزب کمونیست در دستور قرار گرفته بود.

یک بحث مهم دیگر رابطه طبقه کارگر با طبقات دیگر است. طبقه کارگر نمیتواند آزاد شود بدون اینکه همراه خودش همه جامعه را آزاد بکند. این مبنای بسیاری مباحث، سیاست ها، تمرکزها و فعالیت های کمپینی و میدانی حزب کمونیست کارگری بوده است. «طبقه کارگر نمیتواند آزاد شود بدون اینکه همراه خودش همه جامعه را آزاد بکند، برمیگردد به موقعیت عینی کارگر و به خصوصیات عینی جامعه‌اى که این طبقه میخواهد این رهایی را بدست بیاورد» (سمینار دوم کمونیسم کارگری- منصور حکمت). برای ما مبارزه با بیحقوقی زن یا ستم جنسی و مذهبی و نژادی، فقدان آزادی های سیاسی و اعدام و غیره بخشی از مبارزه علیه سرمایه داری است. اینها ستم های سرمایه داری است و مبارزه علیه آنها مبارزه علیه سرمایه داری. برای ما اینها عرصه های فرعی مبارزه یا دموکراتیک نیست. عین مبارزه کمونیستی علیه سرمایه و ستم های سرمایه است. طبقه کارگر اگر میخواهد خود را رها کند باید کل جامعه را رها کند یعی به ستم به زن و ستم مذهبی و نژادی و همه اشکال دیگر ستم نیز پایان دهد. و این برنامه ای برای آینده فقط نیست، به مبارزه امروزه و هر روزه کارگر مربوط میشود. کارگر باید پرچم خواست های کل جامعه را بدست بگیرد و اقشار و طبقات تحت ستم دیگر را نمایندگی کند. برای خود چنین جایگاه و رسالتی در نظر بگیرد، چنین توقعی از خود داشته باشد و در کوران چنین مبارزه ای آموزش ببیند. این یکی از تفاوت های مهم جنبش کمونیسم کارگری با سایر جریانات چپ است. این نگرشی است که منجر به فعالیت هر روزه حزب کمونیست کارگری علیه مذهب و اعدام و سنگسار و بیحقوقی زن شده و به ایجاد انواع نهادها و کمپین ها منجر شده است. در دیدگاه ما کارگر یک صنف نیست که بخواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد و چشمش را بر اشکال دیگر بیحقوقی در جامعه ببندد. کارگر یک صنف نیست که در کارخانه اسثتمار میشود و ستم دیگری به او نمیشود یک موجود اجتماعی است که همه ستم ها بیش از هر طبقه دیگری به او آسیب میرساند و بیش از هر کس دیگری به او مربوط است. دیدگاه مقابل ما در واقع به کارگر بعنوان یک تولید کننده صرف، یک موجود غیر اجتماعی، نگاه میکند یعنی دقیقا با همان دیدگاهی که سرمایه به کارگر نگاه میکند. و کارگری که به این مسائل بی توجه است، یک صنف میماند چه برسد بخواهد به منجی جامعه تبدیل شود.

اینها متدولوژی و مبانی نگاه ما به کارگر بوده است. سیاست های ما در پایه ای ترین سطح منتج از این نگرش است. نگرشی که اجازه داد سیاستی منسجم، پیگیر و موثر را در پیش بگیریم و تاثیرات عمیق و غیر قابل بازگشتی بر طبقه کارگر بگذاریم.

در بخش دوم این مطلب جنبه های مشخص تر این مساله را دنبال میکنیم.